



## مراسم گرامیداشت جان باختگان فاجعه ملی در کلن

روز شنبه، ۹ شهریور ماه، مراسم گرامیداشت جان باختگان کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷، از سوی هواداران و اعضای حزب توده ایران، واحد آلمان، در شهر کلن، برگزار شد. این مراسم به مناسبت بیستمین سالروز فاجعه ملی مورد استقبال هم میهنان ساکن آلمان، قرار گرفت. سالن با شعارهای "در بیستمین

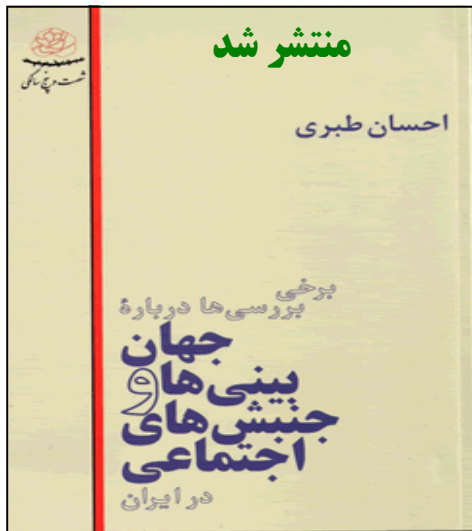


شماره ۷۹۹، دوره هشتم  
سال بیست و سوم ۲۳ شهریور ۱۳۸۷

ادامه در صفحه ۲

ص ۴

تهدید زندانیان سیاسی با تدوین منشور لاجوردی!



## مبارزه در راه احیای حقوق سندیکایی

از آن راهی جز مقاومت و مبارزه ندارند. به این مجموعه اوضاع باید سیاست کنونی دولت ضد کارگری احمدی نژاد درخصوص اصلاح قانون کار و مقررات زدایی برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی را نیز افزود. خبرگزاری "ایسنا" ۶ شهریور ماه، در گزارشی از نتایج بررسی های کار گروه تدوین برنامه پنجم اعلام داشت: "کار گروهی که مدتی است درمورد تنظیم روابط بازار کار فعالیت می کند تا نتایج کار خود را برای در نظر گرفتن این موضوع در تهیه برنامه پنجم ارایه کند، تا پایان شهریور ماه نظرات و نتایج خود را اعلام می کند." عضو گروه تنظیم بازار کار در گفت و گو با خبرنگار "کار و اشتغال" با اشاره به فعالیت چند ماهه کار گروه تنظیم روابط بازار کار در این مورد گفت: "در این کار گروه مسایل مربوط به تنظیم بازار کار و مسایل ایمنی کار و واگذاری واحدهای دولتی به بخش خصوصی و موارد دیگر مورد بحث قرار می گیرد."

اوضاع در مراکز صنعتی-تولیدی و خدماتی و به طور کلی محیط های کارگری سخت بحرانی و متشنج است. روزی نیست کارگران و زحمتکشان حرکتی اعتراضی را نسبت به وضعیت ناگوار حاکم بر کار و زندگی خود سازمان ندهند و به مخالفت با سیاست های حاکمیت، زورگویی کارفرمایان و اقدامات مخرب تشکل هایی چون شوراهای اسلامی کار برنخیزند!

طی سال های اخیر، هیچگاه وضعیت زحمتکشان تا به این درجه وخیم نبوده است. از یک سو گرانی و تورم فزاینده قدرت خرید و سطح زندگی میلیون ها زحمتکش را کاهش داده و آنان در تامين مایحتاج اولیه با دشواری های جدی روبرو هستند و از دیگر سو خطر اخراج و بیکاری چون شمشیر داموکلوس بر بالای سر آنها قرار دارد و تامين و تضمین امنیت شغلی به رویارویی دست نیافتنی بدل گردیده است.

رواج قراردادهای موقت، خروج کارگاه های زیر ده نفر از شمول قانون کار، دستمزدهای پایین تر از نرخ واقعی تورم، حقوق های معوقه، خصوصی سازی افسار گیسخته مراکز تولیدی و کارخانجات، چنان اوضاعی را پدید آورده که طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان برای نجات

بر اساس این گزارش اصلاح قانون کار و تغییر و اصلاح سازمان تامین اجتماعی از اولویت های کار گروه تنظیم روابط بازار کار است و به همین جهت

## جنبش زنان، رژیم ولایت فقیه را به عقب نشینی واداشت!

در پی چند ماه مبارزه بی دریغ زنان و سایر مبارزان حقوق زن در میهنمان، سرانجام بخشی از لایحه ارتجاعی "لایحه خانواده" (مواد ۲۳ و ۲۵ و بند چهارم ماده ۵۳) از دستور کار مجلس خارج شد. ساعاتی پیش از اعلام رسمی این خبر، پیش از ۵۰ تن از فعالان جنبش زنان در ساختمان مجلس حاضر شده و خواستار خروج این لایحه از دستور کار شده بودند. خانم شیرین عبادی درخصوص حضور زنان در مجلس به خبرنگار روزنامه اعتماد ۱۱ شهریور ماه یادآوری کرده بود: "تعداد زیادی از گروه های مختلف زنان با همدلی و همفکری تصمیم گرفتیم امروز (یکشنبه) در ملاقات با نمایندگان

ادامه در صفحه ۲

ادامه در صفحه ۶

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه!"

## ادامه جنبش زنان ...

مجلس، آنان را مانع کنیم که این لایحه بدون کارشناسی تنظیم شده و باید پس از رعایت وقت بیشتر و انجام کارهای کارشناسی در مجلس مطرح شود" وی سپس افزود: "ضروری می‌دانم یادآور شوم به دلیل مشکلات اقتصادی از جمله گرانی مسکن و تورم، تشکیل خانواده برای بسیاری از پسران جوان در حد یک آرزو باقی مانده است و مشخص نیست، چه ضرورتی ایجاب می‌کند که در این شرایط تعدد زوجات تسهیل شود." خروج طرح ضد خانواده از دستور کار مجلس به علت اعتراضات گسترده اجتماعی و هراس ارتجاع از آن صورت گرفته است. در هفته‌های اخیر بر شمار مخالفان لایحه خانواده که به لایحه ضد خانواده در جامعه شهرت یافته، افزوده شده بود و شخصیت‌ها، افراد و سازمان‌های بیشتری موضع مخالف خود را رسماً اعلام کردند. خبرگزاری ایلنا ۹ شهریور ماه سخنان یکی از فعالان ملی-مذهبی در این زمینه را انتشار داد. رضا علیجانی از مبارزان طیف ملی-مذهبی و سردبیر نشریه توقیف شده ایران فردا در خصوص این لایحه از جمله خاطر نشان ساخت: "لایحه حمایت از خانواده لایحه ای است که در آن تعدد زوجات برای طیف خاصی تسهیل شده است. لایحه حمایت از خانواده توسط قوه قضاییه تهیه و به دولت ارایه شده است، دولت (احمدی نژاد) هم تغییراتی در آن بوجود آورده که البته این عمل در حوزة اختیارش نبوده و سپس لایحه را با این تغییرات به مجلس ارایه کرده است."

رضا علیجانی در ادامه افزود: "این لایحه در واقع در رابطه با خانواده مدل سازی می‌کند و مدلی که از این لایحه برای خانواده بیرون می‌آید کمتر مورد نقد قرار گرفته است. در این لایحه زن، خدمتکار همه جانبه ای است که مرد در صورتی که بتواند حقوق آن خدمتکار را بدهد، می‌تواند خدمتکارهای متعددی داشته باشد و اساساً این لایحه نگاهی انسانی به زن ندارد. مساله مهم بعدی که در این لایحه اشکال ایجاد کرده است، عقب‌گردی است که نسبت به همه لوایح پیشین انجام داده و در ماده ۵۳ هم به آن اشاره شده. در ماده ۵۳ تمامی قوانین گذشته فسخ می‌شود و به این ترتیب با لغو قوانین قبلی تمامی امتیازهای محدودی هم که تا حالا برای زن‌ها قابل شده اند، حذف می‌شود. ماده ۲۳ لایحه که اختیار همسر را بعدی را منوط به اجازه دادگاه (نه اجازه زن) کرده است، چند همسری را رواج می‌دهد. مشکل دیگر ازدواج موقت است. یعنی ازدواج موقت می‌تواند حتی بدون ثبت صورت بگیرد و نیازمند مجوز دادگاه نیست." این عضو فعال ائتلاف ملی-مذهبی و از مدافعان عدالت اجتماعی با تأکید بر زمینه‌های اقتصادی و اینکه چنین لایحه‌ای برای قشرهای خاص تنظیم شده، یادآور گردید: "افراد معتقد به عدالت و نهادهای مدنی باید به این لایحه اعتراض کنند. زنان باید از شیوه‌های مختلف اعتراضی استفاده کنند و اعتراضاتشان رابه گوش مسئولان برسانند. مهم‌ترین پرسش در رابطه با این لایحه این است که تسهیل تعدد زوجات وصیغه به دنبال حل کدام معضل اجتماعی است و مشکل چه اقشار و افرادی را می‌خواهد حل کند."

مبارزه با لایحه ضد خانواده، وظیفه همه نیروهای معتقد به عدالت اجتماعی و آزادی است. باید با همه امکانات و درصافی واحد با این لایحه واپس مانده که دارای خصلت طبقاتی به سود دلالان و سرمایه بزرگ تجاری است مقابله و مبارزه کرد، همین مبارزات در هفته‌های اخیر رژیم را وادار به عقب‌نشینی کرد و لایحه ضد خانواده فعلاً و بطور موقت از دستور کار مجلس و طرح در صحن مجلس خارج شده است!

### اعتراض شدید حقوق دانان به حکم ظالمانه بر ضد یوسف عزیزی بنی طرف

در پی انتشار خبر صدور حکم ظالمانه دستگاه بیداد رژیم ولایت فقیه بر ضد یکی از نویسندگان و روشنفکران عرب ایرانی که در سال‌های اخیر هدف حملات مداوم دستگاه‌های امنیتی رژیم بوده است، شماری از وکلای دادگستری با انتشار نامه سرکشاده‌ای به هاشمی‌شاهروزی به این امر اعتراض کردند. در نامه آمده است:

"ما، جمعی از حقوقدانان و وکلای دادگستری، امضاکنندگان این نامه شناخت خود را از آقای یوسف عزیزی بنی طرف به شرح زیر اظهار می‌داریم.

ایشان از روشنفکران عرب ایرانی، روزنامه‌نگار و نویسنده مستقلی است که دارای بیست و چهار کتاب و صدها مقاله به زبان‌های فارسی و عربی است. وی طی چهار دهه گذشته در آثار ادبی و پژوهشی خویش کوشیده است ادب و فرهنگ معاصر عرب را به ایرانیان و ادب فارسی

## ادامه برگزاری مراسم ...

سالگرد فاجعه ملی یاد جانباختگان را گرمی می‌داریم"، "گرمی باد خاطره تابناک شهیدان توده ای"، "برقرار باد اتحاد همه مبارزان راه آزادی، صلح، استقلال و عدالت اجتماعی" و "آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران" و همچنین پوسترهایی از عکس جان باختگان همراه با پوستر حزب به مناسبت ۲۰ مین سالگرد فاجعه ملی و ۲۰ شاخه گل سرخ و ۲۰ شمع تزئین شده بود. شماره‌هایی از نامه مردم که قبل از وقوع جنایت مزبور اعلام خطر کرده بود، نظر شرکت کنندگان در مراسم بزرگداشت را به خود جلب می‌کرد.

پس از اعلام یک دقیقه سکوت، به نشانه احترام به خاطره جاویدان جان باختگان، سرود حزب پخش شد و پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران زیر عنوان: "توطئه سکوت رژیم پیرامون جنایت مدهش ملی را درهم شکنیم" قرائت شد. سپس پیام‌هایی از سوی رفقای حزب کمونیست آلمان، یونان و... قرائت شد.

در ادامه برنامه یک "دی وی دی" از گفتار و تصویر و موسیقی، درباره فاجعه ملی و نیز نامه‌ها و شرح حال رفقای جان باخته پخش شد.

در بخش دوم برنامه اشعاری از هوشنگ ابتهاج و محمد زهری خوانده شد و سپس گفتاری با عنوان: "بیست سال سکوت" را یکی از رفقا قرائت کرد. در این گفتار از جمله آمده بود: "صرف نظر از بازتاب اخبار رخداد فاجعه ملی و اعتراض به آن از سوی احزاب و سازمان‌های اپوزیسیون ایرانی و برخی سازمان‌های مستقل مدافع حقوق انسان‌ها، چه خارجی و چه ایرانی، و نیز کنشگران حقوق بشری و نویسندگان و روزنامه‌نگاران و شخصیت‌های اجتماعی، دو منبع بسیار موثر در کارزار افشاء و اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی که در قالب یک پروسه جریان داشت و نیز بعد از وقوع جنایت، حزب توده ایران و آیت‌الله منتظری بودند... بنا به اسناد موجود، حزب بیش از ۵۰ مورد کارزار و فراخوان، از اردیبهشت ۶۷ یعنی ۴ ماه پیش از وقوع جنایت کشتار همگانی، سازمان داد، و از آبان ۱۳۶۷ به مدت ۹ ماه، تمام صفحات نامه مردم به درج اخبار کارزارهای جهانی در محکومیت آمران و عاملان این جنایت مدهش و شرح حال جان باختگان و نیز اوضاع داخل زندان‌ها اختصاص یافت..."

در این مراسم، تصاویری از جان باختگان و نیز مناظری از زحمتکشان شهر و روستای میهن، در معرض دید حاضران قرار داده شد. میز کتاب و نشریات حزب مورد استقبال حاضران قرار گرفت، و در کنار نامه مردم و نشریات دیگر حزب، دو کتاب از زنده یاد رفیق طبری - نوشته‌های فلسفی و اجتماعی در دو جلد، و برخی بررسی‌ها درباره جهان بینی‌ها و جنبش‌های اجتماعی در ایران در چاپ جدید - مورد توجه بسیار حاضران قرار گرفت. در پایان مراسم شاخه‌های گل سرخ میان حاضران توزیع شد.

را به جهان عرب معرفی نماید. خدمت ایشان در این زمینه بر کسی پوشیده نیست. از این رو صدور حکم پنج سال زندان برای آقای بنی طرف، ما و جامعه فرهنگی و مطبوعاتی ایران را شگفت زده کرد. لذا با توجه به سابقه و شأن فرهنگی ایشان تقاضا داریم پرونده وی به شعبه ای از دادگاه‌های تجدید نظر ارجاع شود که قضات محترم آن با تسلط بیشتر بر امور فرهنگی بتوانند قضاوت شایسته‌ای در مورد این شخصیت فرهنگی کشور داشته باشند. امضا کنندگان این نامه از آقای عزیزی بنی طرف سابقه‌ای غیر از خدمات فرهنگی و مطبوعاتی در عرصه ملی و به ویژه در باره فرهنگ مردم عرب خوزستان، سراغ ندارند و ایشان را شایسته اتهامات مندرج در دادنامه بدوی نمی‌دانند. امضا کنندگان: حسن اسدی زیدآبادی، پرویز خورشید، دکتر ناصر زرافشان، سید محمد سیف زاده، عبدالفتاح سلطانی، دکتر محمد شریف، دکتر ناصر طاهری، شبرین عبادی، احمد فتحی، دکتر یوسف مولایی. رونوشت: جناب آقای آوایی ریاست کل محترم دادگستری استان تهران"



توده ایران  
برگزار شد.  
در طول  
مدت  
فستیوال  
نماینده  
کمیته  
مرکزی حزب  
توده ایران با  
دبیرکل حزب  
کمونیست  
پرتغال، رفیق  
"جرنیمو

سوسا" و اعضای هیئت سیاسی آن از جمله رفقا "مانوئلا برناردینو"، دبیر بخش امور بین المللی، "البانو نونس" عضو هیئت اجرایی، "انجلو آلوارز"، مسئول روابط بین المللی و "جورج کوردیبرو" ملاقات و در رابطه با شرایط بغرنج منطقه و روابط متقابل دو حزب برادر گفتگو کرد. در همین رابطه ملاقات رسمی و جلسه تبادل نظری با هیئت نمایندگی حزب کمونیست پرتغال برگزار شد که در جریان آن شرایط سیاسی دو کشور، عرصه های اصلی مبارزاتی و ضرورت گسترش همبستگی بین دو حزب برادر مورد بحث و مطالعه قرار گرفت. نماینده حزب توده ایران همچنین مراتب قدردانی خود را از تمامی کمک های حزب برادر در رابطه با فراهم کردن شرایط شرکت در فستیوال مهم "آوانته" ابراز کرد. هیئت نمایندگی حزب توده ایران به همراه نمایندگان دیگر احزاب برادر در جلسه ای با شرکت رفیق کاسانووا، سردبیر آوانته، و همچنین دبیر بخش امور بین المللی، و رفیقی از رهبری سازمان جوانان کمونیست پرتغال که به منظور آشنایی با عرصه های مبارزاتی حزب کمونیست پرتغال تشکیل شده بود که در آن رفیق جرنیمو سوسا سخنرانی کرد، شرکت کرد. به ابتکار بخش بین المللی حزب کمونیست پرتغال و مسئولان فستیوال "آوانته" صحنه بین المللی پذیرای بحثی زنده و پرسش و پاسخ بود. در رابطه با تحولات منطقه تحت عنوان "مقاومت در خاورمیانه، مبارزه بر ضد امپریالیسم" بود. این بحث که نزدیک به دو ساعت ادامه داشت با سخن رفیق "جورج قدیما"، استاد دانشگاه و عضو دفتر بین المللی حزب کمونیست پرتغال آغاز شد. علاوه بر نماینده حزب توده ایران سخنرانان دیگر این جلسه "موسی نجیب"، سفیر فلسطین در پرتغال، رفیق "مصطفی مشعل"، نماینده جبهه خلق برای آزادی فلسطین، و رفیق برونو دیاس عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست و نماینده پارلمان پرتغال بودند. سخنرانی نماینده حزب به تشریح شرایط بغرنج کنونی کشور، تبعات سیاست های حاکمیت، و تحلیل مشخص حزب توده ایران در رابطه با ضرورت اتحاد وسیعترین طیف نیروهای مترقی، آزادیخواه و دموکرات در مبارزه برای دموکراسی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی بود. او با اشاره به ضرورت گسترش جنبش همبستگی بین المللی با مردم ایران به کلیدی بودن مبارزه نیروهای مترقی کشور برای دموکراسی و حقوق بشر به مثابه پیش شرط ضروری ایجاد جنبش ضد جنگ در داخل کشور تأکید کرد. نماینده حزب مان با تأکید بر این حقیقت که رژیم های حاکم در منطقه عمدتاً ارتجاعی، فاسد و ضد دموکراتیک هستند، حقایق در رابطه با بی محتوی بودن ژست های "ضد امپریالیستی" رژیم حاکم در ایران را مطرح کرد. او با توجه دادن به سیاست های اقتصادی فاجعه بار، موج وسیع خصوصی سازی ها در کشور و پیروی رژیم حاکم از نسخه های "صندوق بین المللی پول" محتوی برنامه های اقتصادی رژیم را همخوان با برنامه های نولیبرالی حاکم در جهان سرمایه داری ارزیابی و محکوم کرد. نماینده حزب توده ایران در رابطه با تهدیدات نظامی امپریالیسم آمریکا و اسرائیل در رابطه با ایران گفت: "اگر ممانعت از به وقوع پیوستن یک تراژدی دیگر در خاورمیانه عاجل است، ضرورت مبارزه برای دموکراسی در ایران از آن کمتر نیست، چرا که برای مقابله با خطر جنگ ایجاد یک جنبش وسیع مردمی، غلبه بر تفرقه ها و یک کاسه کردن تمامی تلاش ها برای صلح نیز ضرورتی عینی دارد."

این بزرگترین فستیوال کمونیست های اروپا یا گردهمایی عظیمی در عصر روز یکشنبه و با سخنرانی مهم رفیق "جرنیمو سوسا" پایان پذیرفت.

## نامه مردم در فستیوال باشکوه "آوانته" پرتغال

\*صد ها هزار تن از کمونیست ها و ترقی خواهان چپ پرتغال در فستیوال "آوانته"، نشریه ارگان حزب کمونیست پرتغال، شرکت داشتند.

\*رفیق "جرنیمو سوسا"، دبیرکل حزب کمونیست پرتغال، در ملاقات با نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران از مبارزه مردم ایران حمایت کرد



فستیوال سالانه "آوانته"، نشریه ارگان حزب کمونیست پرتغال، در روزهای ۱۵ الی ۱۷ شهریورماه در پارک ویژه این جشن، در شهر کارگری "ستوبال"، که کنترل شورای شهر آن در دست حزب کمونیست پرتغال است، در نزدیکی لیسبون، پایتخت پرتغال، برگزار شد. این ۳۲مین فستیوال سالانه کمونیست های پرتغال بود که از سال ۱۹۷۶، یعنی دو سال پس از انقلاب آوریل و سرنگونی دیکتاتوری سالازار، بطور مرتب برگزار شده است. دریایی از پرچم های سرخ بر فراز دست های هزاران دختر و پسر جوان پرتغالی که سرود خوان و پایکوبان نظمی دیگر را طلب می کردند، به این جشنواره عظیم هنری، اجتماعی و سیاسی جلوه خاصی داده بودند. اجرای برنامه های همزمان با شرکت گروه های موسیقی پرتغالی و بین المللی در روی ۸ صحنه در محوطه عظیم پارک محل برگزاری جشن پاسخگوی نیاز های همه سلیقه ها و گروه های سنی شرکت کننده بود. صحنه "۱۵ آوریل" در وسط محوطه فستیوال با ظرفیت پذیرش ۶۰۰۰ تماشاچی و مستمع، صحنه سرپوشیده "امام مه" که هزاران تن می توانستند در آن به اجرای موسیقی های متنوع گوش کنند، و صحنه های "جوانان"، "بین المللی" که محل ارائه موسیقی و انجام بحث های متنوعی بودند، از جمله مراکز پرجمعیت در تمامی زمان فستیوال بود.

در دهکده بین المللی که محل استقرار غرفه های روزنامه های ارگان احزاب کمونیست و کارگری جهان بود، نشریات، کارهای دستی و هنری و غذا ها و نوشیدنی های ملی و سنتی از سراسر جهان در دسترس شرکت کنندگان در فستیوال قرار داشت. غرفه های انگولا، صحرای غربی، موزامبیک، کوبا، برزیل، کلمبیا، شیلی، ونزوئلا، چین، فلسطین، ترکیه، آلمان، انگلیس، اسپانیا و ایتالیا از جمله ده ها غرفه ای بود که جهان مبارزه برای صلح و پیشرفت را در قلب کشور پرتغال نمایندگی می کرد. غرفه های فعال "کمیته صلح پرتغال" و "شورای جهانی صلح" در حاشیه میدان تجمعات در دهکده بین المللی و "صحنه بین المللی" از پر مراجعه ترین مراکز بودند. به دعوت رهبری حزب کمونیست پرتغال، امسال پس از نزدیک دو دهه وقفه، غرفه نامه مردم در قلب محله ویژه جنبش های بین المللی در فستیوال "آوانته" پاسخگوی ستوال ها و عطش پایان ناپذیر هزاران کمونیست و مبارز صلح پرتغالی شد که می خواستند در مورد تحولات بغرنج کشورمان اطلاع داشته باشند. دیوارهای غرفه با پرچم های حزب توده ایران، نامه مردم و همچنین پلاکارد بزرگی به زبان انگلیسی با شعار "مبارزه برای صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی در ایران" که گل سرخ حزب و آرم "نامه مردم" را در دو سوی خود داشت، و ده ها پوستر به مناسبت ۲۰مین سالگرد فاجعه ملی ترزین شده بود. گروهی از رفقای جوان پرتغالی داوطلبانه به طور خستگی ناپذیر در تزئین و ادامه کار غرفه در طول مدت فستیوال و از جمله پخش نشریات انگلیسی زبان "اخبار توده" (توده نیوز) و "ایران امروز" کمک کردند. شرایط بغرنج و متشنج در خاورمیانه و از جمله درگیری های بین جمهوری اسلامی ایران و آمریکا و اتحادیه اروپا، و ماهیت و سرانجام این تحولات در مرکز بحث های متنوعی بود که با شرکت هیئت نمایندگی حزب



## آزادی برای همه دانشجویان در بند!

است. بدون تردید، اینگونه تبلیغات که تهدیدی آشکار محسوب می‌گردد، نخواهد توانست مقاومت و پیکار مبارزان گردان‌های مختلف جنبش مردمی را متوقف و خدشه دار سازد. شیوه‌های لاجوردی و عناصر پلیدی چون او همچون گذشته در برابر اراده مبارزان راه آزادی محکوم به شکست بوده وهست!

## موج جدید بازداشت دانشجویان

فعالان جنبش دانشجویی از آغاز موج جدید بازداشت دانشجویان در دانشگاه‌های سراسر کشور خبر می‌دهند. خبرنگار امیرکبیر، پایگاه خبری تحلیلی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر و خبرنگار آزادی و برابری، پایگاه خبری دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب دانشگاه‌های ایران همزمان از آغاز دستگیری‌های تازه مبارزان جوان و فعالان جنبش دانشجویی گزارشی را منتشر ساختند. خبرنگار امیرکبیر، پنجشنبه ۱۴ شهریور ماه در این باره از جمله نوشت: "موج جدید بازداشت دانشجویان از طی روزهای گذشته آغاز شده است، در همین راستا یکی از دانشجویان دانشگاه تربیت معلم تهران سه شنبه توسط افرادی ناشناس بازداشت شدند. پیش از این نیز دو دانشجوی دانشگاه تربیت معلم در یکشنبه هفته گذشته بازداشت شده بودند که پس از ۸ روز آزاد شدند."

بر اساس گزارش همین خبرنگار دانشجویی، در شهرهای مشهد، اراک و اصفهان، بازداشت دانشجویان همچون تهران صورت پذیرفته و ماموران وزارت اطلاعات با یورش به خوابگاه‌ها و یا خانه‌های فعالان دانشجویی آنان را دستگیر و خانواده‌هایشان را تحت فشار قرار داده‌اند. خبرنگار امیرکبیر در این باره از مشهد گزارش می‌دهد: "در مشهد نیز مجدداً طی روزهای گذشته سه دانشجوی بازداشت شدند، ماموران امنیتی اقدامی هماهنگ صبح دوشنبه (۱۱ شهریورماه) به منزل پدری این دانشجویان مراجعه کرده و پس از تفتیش منزل آنان را به همراه خود به مکان نامعلومی منتقل کرده‌اند..... خبرها حاکی از آن است که این دانشجویان شب گذشته طی تماس تلفنی تنها سلامت خود را به خانواده‌ها اعلام کرده‌اند، در اصفهان نیز دانشجویی ترم آخر دانشگاه مالک اشتر اصفهان، در روز یکشنبه در منزل پدری خود در شهر خوی (استان آذربایجان غربی) بازداشت شد."

علاوه بر این پایگاه خبری دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب در اوایل شهریور ماه گزارش داد، دوازده تن از دانشجویان درپارک لاله تهران مورد هجوم پلیس قرار گرفته و بازداشت شدند، اتهام این افراد تجمع غیر قانونی (بیش از چهار نفر) عنوان گردیده و با خانواده‌های آنان که به کلانتری‌ها و قرارگاه‌های نیروی انتظامی مراجعه و خواستار اطلاع از وضعیت فرزندان خود بودند، توهین آمیز برخورد شده و از اعلام مکان بازداشت این جوانان خودداری کردند.

اعمال فشا رو موج جدید بازداشت‌ها از سوی رژیم در آستانه بازگشایی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی با هدف ایجاد رعب و وحشت و مهار جنبش پرتوان دانشجویی صورت می‌گیرد. رژیم ولایت فقیه می‌کوشد با دستگیری، اخراج و محروم ساختن از تحصیل شعله مبارزه دانشجویان را خاموش و سکوت گورستانی و "انضباط" پادگانی را بر دانشگاه‌ها تحمیل نماید!

## مشکلات زنان کارگر

یکی از نتایج اجرای سیاست اصلاح ساختار اقتصادی، بی‌قانونی مطلق در حق زنان کارگر، بویژه زنان کارگر متاهل و صاحب فرزند است. از هنگام افزایش چشمگیر قراردادهای موقت بسیاری از واحدها و مراکز تولیدی-صنعتی و



## تهدید زندانیان سیاسی با تدوین منشور لاجوردی!

هم زمان با تشدید فشارها بر جنبش مردمی و دستگیری و بازداشت فعالان دانشجویی، زنان و مبارزان سندیکایی، ارتجاع حاکم آشکارا جنبش مردمی را مورد خطاب قرار داده و تهدید کرد. در جریان نشست موسوم به کنگره بزرگداشت دیده بان انقلاب اسلامی، اسدالله لاجوردی، برخی چهره‌های شاخص رژیم ولایت فقیه خواستار تدوین منشوری برای زندانیان سیاسی به نام منشور لاجوردی شدند. روزنامه اعتماد ملی در این باره ضمن گزارش این کنگره و تأکید شماری از رهبران رژیم بر سرکوب جنبش مردمی از جمله خاطرنشان ساخت: "کنگره بزرگداشت اسدالله لاجوردی دیروز (۲ شهریورماه) با حضور برخی شخصیت‌ها از جمله مهدی کروبی، روح‌الله حسینیان، قاضی مرتضوی، حجت الاسلام دعاگو، ناطق نوری و برخی اعضای حزب مؤتلفه اسلامی برگزار شد. ناطق نوری در سخنرانی خود در این مراسم با بیان اینکه لاجوردی به دنبال وظیفه و تکلیف بود، گفت اگر خواهیم بدانیم که با زندانیان چگونه رفتار کنیم، منشور لاجوردی کافی است، دشمن شناسی و جریانی شناسی لاجوردی از دیگر خصوصیات وی بود از دیگر خصوصیات وی با مارکسیست یا منافق اصلاً تعارف نداشت، ما باید در حال حاضر برخورد او با زندانیان را در یک منشور تدوین کرده و اجرا کنیم."

ابراهیم ریسی معاون اول قوه قضاییه نیز با تأکید بر برخورد قاطع با انحرافات که به زعم وی بویژه در دانشگاه‌ها گسترش یافته بر تدوین منشور لاجوردی برای زندانیان سیاسی انگشت‌گذازد و یادآور شد: "در پیام مقام معظم رهبری به مناسبت شهادت این بزرگوار به نکاتی اشاره شده که نیاز به تبیین دارد و ناظر بر جمع بندی روش لاجوردی با زندانیان است."

عسگر اولادی نیز مسئولان را فراخواند تا همانند لاجوردی با قاطعیت با مکاتبی چون مارکسیسم مبارزه کنند و روش لاجوردی را در برخورد با زندانیان سرلوحه عمل خود قرار دهند.

عسگر اولادی متذکر شد: "لاجوردی شناخت دقیقی از مکاتبی چون مارکسیسم داشت و دشمنان خدا و امام و جمهوری اسلامی را به شیوه خود به راه می‌آورد.!!!"

ادامه نگاهی به رویدادهای ...

خدماتی بطور رسمی و جدی از استخدام زنان متاهل و دارای فرزند خردسال امتناع می شود و آن دسته از زنانی هم که موفق به استخدام درچنین مراکزی می شوند، درصورت بارداری، بلافاصله حکم اخراج دریافت می کنند. چندی پیش شماری از زنان کارگر استان گیلان در اعتراض به این روش کارفرمایان با امضاء توماری خطاب به وزارت کار و اموراجتماعی خواستار رسیدگی به وضع خود شده و اعمال فشار قانونی به مدیران مراکز صنعتی و کارخانجات را برای استخدام زنان متاهل و دارای فرزند طلب کردند. علاوه براین خبرگزاری ایلنا ۵ شهریور ماه امسال در گزارشی با عنوان "خودداری کارخانه ها از قبول زنان متاهل" با اشاره به اعتراضات زنان کارگر در این خصوص از جمله نوشت: "زنان مشکلات بسیاری دارند که اصلی ترین آن خودداری کارخانه ها از قبول زنان متاهل است، دلیل اصلی این معضل فرار مدیران از مرخصی های دوران بارداری و شیردهی و تاسیس مهد کودک برای نگهداری از کودکان این زنان است." در ادامه این گزارش با صراحت تاکید شده: "هیچ کس پذیرای زنان متاهل نیست و فقط در بعضی کارخانه ها از آنان به صورت کارمزد یا ساعت های طولانی و کارهای طاقت فرسا بدون بیمه استقبال می شود، ساعت کاری بیشتر زنان کارگر که به صورت کارمزد مشغول به کار هستند از شش صبح تا شش بعد از ظهر است و از بیمه و حق بازنشستگی و سایر مزایا خبری نیست."

وضعیت زنان کارگر و از جمله زنان متاهل و دارای فرزند با سیاست های دولت احمدی نژاد در خصوص اصلاح قانون کار وخیم تر شده و اندک مواد تبصره هایی هم که در حمایت از آنها وجود دارد، از متون قانونی و قانون کار حذف خواهد شد. جنبش سندیکایی زحمتکشان ایران

به درستی از حقوق زنان کارگر دفاع می کند و خواست هایی نظیر، زنان کارگر، در برابر کار مساوی با مردان مزد مساوی دریافت کنند، زنان کارگر حق استفاده از شش هفته مرخصی قبل و هشت هفته مرخصی پس از زایمان را

با استفاده از حقوق دارا باشند، به زنان کارگر در طول ساعت کار، زمان و فرجه مناسب برای شیردادن به نوزاد خود داده شود و این مدت جزو ساعت کار منظور گردد، در کنار هر کارگاه و کارخانه مهد کودک برای نگهداری از کودکان زنان کارگر ایجاد شود و نیز محل شغلی زنان کارگر در دوران استراحت قبل و بعد از زایمان محفوظ بماند و کارفرما حق اخراج او را نداشته باشد. این مسایل در کنار خواست هایی چون افزایش دستمزد ها متناسب با نرخ واقعی تورم، لغو قراردادهای موقت و حق ایجاد سندیکاهای مستقل، مخالفت با خصوصی سازی از لویت های جنبش سندیکایی و پیکار طبقه کارگر میهن ما برای تامین حقوق صنفی-رفاهی و تضمین امنیت شغلی است. حضور هرچه گسترده تر زنان کارگر در این مبارزات از اهمیت اساسی برخوردار بوده و سبب تقویت توان مبارزه ای سراسری کارگران و زحمتکشان می گردد!

نامه سرگشاده گروهی از دانشجویان محروم از تحصیل

دراوایل شهریور ماه امسال گروهی از دانشجویان ستاره دار و افرادی که به دلیل احکام سنگین انضباطی از تحصیل محروم شده اند در نامه ای سرگشاده به وزیر علوم، تحقیقات و

آموزش عالی، به محرومیت از تحصیل و رفتار رژیم در دانشگاه ها اعتراض کردند، در بخشی از نامه آمده است: "متأسفانه همانطور که مطلعید با تکیه زدن شما بر منصب ریاست وزارت علوم، محروم کردن دانشجویان از تحصیل بدل به امری معمول گشته است. سه سال پیش، نزدیک به هزار و هفتصد تن از داوطلبین آزمون کارشناسی ارشد که حائز صلاحیت علمی لازم برای ادامه تحصیل در مقطع بالاتر گردیده بودند، در اعلام نتایج نهایی آزمون متوجه شدند که در مقابل نام آنها یک، دو یا سه ستاره قرار گرفته است که در این میان از ثبت نام هفده نفر از دانشجویان سه ستاره در مرحله نهایی ممانعت به عمل آمد. این سیاست در سال گذشته با شیوه جدیدی ظهور کرده است، به این ترتیب که برای تعدادی از داوطلبین آزمون کارشناسی ارشد اصلا کارنامه صادر نشد و از آنها خواسته شده بود که به هسته گزینش استاد و دانشجو واقع در طبقه چهارم سازمان سنجش مراجعه نمایند و در آنجا به آنان توضیح داده شد که اگر چه واجد صلاحیت علمی برای پذیرش در مقطع کارشناسی ارشد می باشند و لیکن به سبب عدم احراز صلاحیت عمومی! از ادامه تحصیل شان ممانعت به عمل آمده است... همچنین در سه سال گذشته کمیته های انضباطی دانشگاه های مختلف، برای بسیاری از فعالین دانشجویی احکام سنگین تعلیق بعضا دو، سه یا چهار ترم صادر کرده اند که در برخی موارد این احکام منجر به پایان سنوات تحصیلی این فعالان دانشجویی و اخراج آنها از دانشگاه گردیده است. نمونه این گونه احکام را می توان در دانشگاه علامه، صنعتی امیرکبیر، اراک و تبریز مشاهده کرد، احکامی که تقریبا همگی آنها در شرایطی ناعادلانه صادر شده است."

در ادامه این نامه سرگشاده و افشارگرانه، دانشجویان معترض به حق می پرسند: "آقای وزیر مگر نمی گویند که دانشجو باید سیاسی باشد و دانشگاه مرکز تحول است. پس چگونه است که فعالین دانشجویی منتقد دولت این گونه متحمل هزینه های سنگین می گردند و از حق طبیعی خود محروم می گردند؟ آیا فعالیت سیاسی مورد نظر شما، صرفا در تعریف و تمجید از دولت خلاصه می گردد؟ آقای وزیر چگونه می توانید این محرومیت از تحصیل ها را توجیه کنید؟ مگر نه اینکه حق تحصیل جزو حقوق اولیه انسان هاست، برآستی آیا وزارت تحت امر شما حقوق اولیه انسانها را نیز به رسمیت نمی شناسد؟... در کجای دنیا برای ادامه تحصیل، شرط احراز صلاحیت غیر علمی نهاده اند، که شما اینگونه می کنید؟ برآستی عدم صلاحیت این افراد در کدام مرجع حقوقی و قانونی مورد بررسی قرار گرفته است؟ پس چرا فرصتی برای دفاع دانشجویان از حقوق قانونی شان به آنان داده نشده؟"

در پایان نامه سرگشاده تاکید می گردد: "دانشگاهی که شما از اسلامی کردنش دم می زنید می رود اندک مایه های انسانی خویش نیز به فراموشی به سپارد... به راستی که دانشگاه قبل از هر تغییری، نیاز به باز اندیشی شما در سیاست های تان و اساسا فهم تان در آکادمی و علم دارد..."

تاکنون وزارت علوم و دیگر نهادهای رژیم ولایت فقیه پاسخی به پرسش های دانشجویان محروم از تحصیل نداده و برعکس بر میزان فشارها و اقدامات کمیته های انضباطی در دانشگاه افزوده اند و مشغول خط و نشان کشیدن برای فعالان بخش دانشجویی هستند!



آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامه مبارزه در راه احیای ...

دولت نهم آن در الویت خود قرار داده و پس از بررسی های لازم در کمیسیون اجتماعی دولت، متن آن انتشار و به مجلس ارایه خواهد شد.

با توجه به همه این مسایل اوج گیری مبارزات در مراکز کارگری واقعیتی است که رژیم ولایت فقیه قادر به کتمان آن نیست، اما این مبارزات از آنجا که پراکنده و در اغلب موارد فاقد سطح لازم سازماندهی و همبستگی است، دستاورد قابل توجه و یا نتیجه ملموسی به همراه نداشتند و در برخی زمینه ها نیرو و توان زحمتکشان را به تحلیل برده و اعتصاب و اعتراضات را با ناکامی روبرو می سازد. از این رو در سال های اخیر طبقه کارگر آگاه و فعالان جنبش کارگری به درستی بیشترین تلاش خود را بر احیای حقوق سندیکایی و احیا و ایجاد سندیکاهای مستقل متمرکز ساخته اند. مبارزه در این عرصه با وجود اوضاع نامساعد داخلی و خارجی، فشار شدید ارگان های امنیتی-اطلاعاتی و عواملی چون تضعیف کمی و کیفی طبقه کارگر به دلیل اجرای سیاست تعدیل اقتصادی و رواج تعطیلی کارخانه ها و مراکز صنعتی و دریک کلام فروپاشی بنیه تولیدی و رواج اقتصاد غیر مولد و دلالی، بدون نتیجه نبوده و نمی توانست باشد. اینک با همه دشواری ها و کاستی های موجود روند احیای حقوق سندیکایی کارگران و زحمتکشان همچنان ادامه یافته و در این زمینه رشد آگاهی توده های کارگر در کارگاه ها و کارخانه ها به عنوان اصل مهمی در تجهیز و قوام جنبش سندیکایی کشور، بزرگترین پشتوانه محسوب می گردد. باید کوشید به دور از انفعال و شتاب زدگی از طریق کارخستگی ناپذیر و صبورانه و پرهیز از تفرقه با واقع بینی و شکیبایی، بدر آگاهی را در میان زحمتکشان افشاند و با تکیه بر تجربیات ارزشمند تاریخ جنبش سندیکایی ایران و در ادامه و امتداد سنت های درخشان آن، مبارزه در راه احیای حقوق سندیکایی را به پیش برد. در این خصوص در ماه ها و هفته های اخیر شاهد عکس العمل جناح های مختلف حکومتی پیرامون روند احیای حقوق سندیکایی کارگران و زحمتکشان هستیم. از یک سو دولت احمدی نژاد و جریانات واپس مانده و تاریک اندیش هوادار این جناح به موازات گسترش مبارزه برای احیا و ایجاد سندیکاهای واقعی و رزمجوی کارگری، بار دیگر بر سیاست قدیمی ولی شناخته شده و در عین حال بسیار مخرب رژیم در مسایل کارگری و نهادهای صنفی زحمتکشان تاکید و خواستار اعمال نظر خود هستند، این جریانات با درک ژرفای حمایت توده های وسیع کارگر از تشکیل و فعالیت سندیکاهای مستقل، شعار ایجاد نهاد شورایی را با نام شوراهای اسلامی طرح و پیش کشیده اند. چندی پیش نمایندگان این جریانات به شدت ارتجاعی اعلام داشتند شوراهای کارگری جدید باید در مراکز تولید-صنعتی ایجاد گردد و واحدهای صنعتی و کارخانه ها بیش از گذشته نیازمند حضور و فعالیت شوراهای اسلامی کار هستند. باید توجه داشت این شعار و درخواست به معنای خواست برقراری شوراهای درموسسه های تولیدی و خدماتی نیست، بلکه می خواهند نهادی را به نام شورای اسلامی جایگزین سندیکا سازند. این سیاست تفرقه افکنانه در ابتدای انقلاب در سال های اولیه که فعالیت کارگران برای تقویت صنوف جنبش سندیکایی در اوج بود از سوی جمهوری اسلامی اعمال می شد، همین سیاست با زهم در اوضاع حساس کنونی توسط دولت ضد مردمی احمدی نژاد و با کمک ارگان های امنیتی و انجمن های اسلامی و نیز دخالت آشکار وزارت کار و امور اجتماعی در دستور کار مرتجعان حاکم قرار گرفته است. شوراهای اسلامی کار که اینک تقویت شده و تلاش می گردد جایگزین سندیکاهای شوند، تا به امروز نقش بسیار مخرب در زندگی و مبارزه صنفی-رفاهی زحمتکشان ایفا کرده اند. لایحه شوراهای اسلامی کار در بهمن ماه ۱۳۶۳ در اوج سرکوب طبقه کارگر و حزب سیاسی آن از تصویب مجلس گذشت و قانونیت یافت. این قانون یعنی شوراهای اسلامی کار حق تشکیل صنفی مستقل کارگران و حق مشارکت آنان در مدیریت و نظارت بر واحد کار را نقض کرده است و انحلال این شوراهای فرمایشی از خواست های به حق زحمتکشان بوده و هست. برنامه ارتجاع حاکم برای مهار و خنثی ساختن جنبش سندیکایی با جایگزین ساخت شورای اسلامی به جای سندیکا از هم اکنون محکوم به شکست است. هیچ نهاد و ارگانی تاکید می کنیم هیچ نهاد و ارگانی هرگز نمی تواند در امر دفاع از حقوق صنفی-رفاهی زحمتکشان جایگزین سازمان سندیکایی گردد.

از سوی دیگر ما با ترفند نسبتا جدیدی روبرو هستیم که طراحان آن گروهی از مدافعان و نظریه پردازان نولیبرال وطنی هستند.

در وضعیت کنونی جناح رفسنجانی با مقاصد معین سیاسی ناگهان به یاد کارگران و اهمیت سندیکاهای کارگری افتاده است. طراحان و مجریان سیاست ضد کارگری تعدیل اقتصادی، این روزها در روزنامه کارگزاران از ضرورت سندیکا سخن می گویند. مطلبی تحت عنوان "سندیکا در ایران، از آغاز تا امروز" در روزنامه "کارگزاران"

۶ شهریور ماه  
انتشار یافت که  
در آن به تاریخ  
جنبش  
سندیکایی ایران  
و تاریخچه  
قانون کار  
پرداخته شده  
است. در سراسر  
این مطلب که به  
اشکال گوناگون  
در هفته های  
اخیر در پایگاه  
های خبری  
هوادار جناح  
رفسنجانی انتشار  
پیدا کرده، به  
شکل هدفمند و  
سیستماتیک

منصور  
اسالو  
مدافع  
حقوق  
کارگران  
را  
آزاد  
کنید



تلاش می شود مبارزه کارگران در راه احیای حقوق سندیکایی در چارچوب مشخصی قرار بگیرد.

به طور مثال در تبلیغات کارگزاران، جنبش سندیکایی زحمتکشان ایران تحریف شده و درباره آن چنین نوشته می شود: "در سال ۱۳۲۵ قوام السلطنه برای مقابله شورای متحده مرکزی و مقابله با دخالت هایی (خوب توجه کنید دخالت ها) که این شورا در امور کارخانه ها می کرد نسبت به تشکیل وزارت کار اقدام کرد و در این سال اولین قانون کار به تصویب هیات وزیران رسید. در این دوران قوام السلطنه نسبت به سازماندهی و تشکیل اتحادیه سندیکاهای کارگران و کشاورزان ایران (اسکای) اقدام کرد و با حمایتی که دولت از این تشکیلات کرد، هم کارگران ناراضی از شورای متحده و هم کارگران مخالف کمونیسم را در این اتحادیه گردهم آورد و با پیوستن به کنفدراسیون سندیکای آزاد جهانی (سی-آی-اس-ال) از نفوذ و قدرت بیشتری برخوردار شد....."

همچنانکه دیده می شود، هدف این نوع تبلیغات و تحریف تاریخ ایجاد سندیکاهایی نظیر سندیکاهای زرد و ارتجاعی وابسته به قوام و دربار اصولا سندیکاهای کارگری غیر رزمجو و فاقد اصالت طبقاتی است! اگر هدف دولت احمدی نژاد تقویت شوراهای و انجمن های اسلامی است، جناح کارگزاران و پیروان رفسنجانی مودیانه می کوشند سندیکاهای تحت فرمان و عاری از جنبه طبقاتی را ایجاد کرده و از نیروی طبقه کارگر به سود مقاصد و منافع سیاسی و طبقاتی خود سوءاستفاده کنند. درحقیقت اینان با علم به بازگشت ناپذیر بودن مسیر احیای حقوق سندیکایی و رشد و گسترش مبارزات اعتراضی در صد فریب کارگران و ایجاد سندیکاهای گوش به فرمان همچون دوران گذشته هستند. و با این هدف ناگهان به یاد حقوق کارگران و اهمیت فعالیت سندیکا افتاده اند. سیاست و روش این جناح در قبال طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان را چگونه باید ارزیابی کرد؟ چرا و به چه دلیل کسانی که از بدترین نسخه های خصوصی سازی دفاع می کنند، به یکباره توجه خود را به جنبش پرتوان کارگری معطوب ساخته اند؟ به هر روی مبارزه در راه احیای حقوق سندیکایی مسیر دشوار و بغرنجی است. حفظ هوشیاری، تاکید بر سنن انقلابی جنبش سندیکایی و کار پیگیرانه توأم با شکیبایی و استفاده از همه روزنه های موجود ضمن تقویت امر وحدت و پرهیز از تفرقه از وظایف اصلی و مبرم در حال حاضر به شمار می آید!

## ادامه چهره حقیقی ...

می‌دهند و با تبانی از هر راهی که مقدور باشد، کنترل بازارها و قیمت‌ها را در دست می‌گیرند. حتی لازم نیست با هم رایزنی کنند و جلسه بگیرند. همین قدر کافی است که می‌دانند اگر قیمت‌ها را کاهش دهند و رقیبان‌شان هم چنین کنند، وضع همه خراب‌تر خواهد شد.

در حال حاضر شرکت‌های نفتی از سودآورترین شرکت‌ها در سطح جهان هستند. این شرکت‌ها از مزیت تولید فراورده‌ای برخوردارند که تقاضای تقریباً پایان‌ناپذیری برای آن وجود دارد، که توسط صنعتی تولید می‌شود که در سطح جهان به شدت متمرکز است، که بخشی از آن به صورت کارتری است به نام اوپک یا سازمان کشورهای صادرکننده نفت. این امر تبانی تلویحی میان شرکت‌های بیرون از کارتل را تا حد زیادی تسهیل می‌کند. این مؤسسات "گناه" سودهای سرسام‌آورشان را به گردن بازار می‌اندازند، در حالی که این خود آنها هستند که کنترل بازار فروش را در دست دارند و قیمت‌ها را به دلخواه تعیین می‌کنند.

دوم آن که شرکت‌ها می‌توانند به منظور جبران کاهش نرخ سود، دستمزدها را کاهش دهند. برای این کار، یا دستمزدها را متناسب با نرخ تورم اضافه نمی‌کنند یا آن که کارگران را اخراج می‌کنند و بعد آنها، یا کارگران دیگری را، به دستمزدی کمتر استخدام می‌کنند. ولی در جاهایی که سندیکا و اتحادیه وجود دارد، متوسل شدن به این کار دشوارتر است، و در این مورد می‌توان نمونه‌های زیادی آورد. گاهی در چنین مواردی، تولید را به کشورهای منتقل می‌کنند که دستمزدها پایین‌ترند و در آنها کارگران در موقعیت ضعیف‌تری برای بستن قراردادهای دسته‌جمعی هستند، از جمله در آسیا و کشورهای اروپای شرقی. در عرصه خدمات و فراورده‌هایی که نمی‌شود آنها را به این گونه کشورها منتقل کرد، کارگران مهاجر ارزان را به کار می‌گیرند که به علاوه موجب صرفه‌جویی در آموزش نیروی کار هم می‌شود. هر دو روند مورد اشاره، در نهایت سبب پایین بردن دستمزد همه کارگران می‌شود. اما همین جاست که با تناقضی عمده رو به رو می‌شویم. هر چه بنگاه‌های اقتصادی دستمزدها را پایین‌تر ببرند، بازار کالاها و فراورده‌های‌شان را محدودتر می‌کنند. و همین باعث شکل‌گیری بحران دوره‌ای بعدی می‌شود.

سوم آن که شاید بتوان کاهش نرخ سود را با افزایش اعتبار جبران کرد. در این صورت، مردم توانایی خرید چیزهایی مثل خانه را پیدا می‌کنند، که اگر غیر از این بود استطاعت خرید آن را نداشتند. به این ترتیب است که بازار خرید و فروش را رونق می‌دهند. اما مسئله در اینجا آن است که دادن اعتبار به کسانی که احتمالاً کارشان به ورشکستگی می‌کشد و قدرت مالی پرداخت وام و بهره آن را ندارند، اقدامی ریسکی است. و این همان چیزی است که اکنون در پی بحران ناشی از اعطای وام‌های با بهره کمتر از بهره پایه رخ داده است. از آنجا که بخش بزرگ‌تری از درآمد مردم صرف پرداخت بدهی و بهره می‌شود، بازار مصرف کالاها و خدمات دیگر محدود می‌شود.

خلاصه آن که هر سه راهکرد مورد اشاره کاری نمی‌کنند جز به تعویق انداختن بحران ناشی از روند کاهش نرخ سود. اقتصاددانان مدافع سرمایه‌داری غالباً چنین بحرانی را دوره‌ای از "تخریب سازنده" می‌نامند که به گفته آنها برای احیای پویایی سرمایه‌داری و خلاص شدن از دست "بی‌مصرف‌ها" لازم است. این عده دشواری و نابودی سهمگین زندگی مردم، و حتی گاهی مرگ آنها را در نتیجه ناتوانی در تأمین معاش و از دست دادن کارشان، به عمد نادیده می‌گیرند. آنان پیش از هر چیز این امر را ندیده می‌گیرند که کاری که مردم کرده‌اند و موجب ایجاد سرمایه شده است، چگونه به طور فاحشی اتلاف می‌شود.

دیگر از این بهتر چگونه می‌شود محکومیت سرمایه‌داری را نشان داد؟

## مبارزه زحمتکشان پرو بر ضد برنامه خصوصی سازی

\*در ماه‌های اخیر مبارزه زحمتکشان پرو با سیاست‌های اقتصادی-اجتماعی دیکته شده از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی وارد مرحله ای تازه گردیده است. در این پیکار وسیع مردمی جنبش سندیکایی کارگران پرو نقش کلیدی و پر اهمیت برعهده دارد. فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری ضمن حمایت از این مبارزات به حق گوشه‌هایی از آن را در پایگاه خبری خود بازتاب داده است که فشرده ای از گزارش مذکور برای اطلاع از اوضاع آمریکای لاتین ارایه می‌شود.

اعتصاب و اعتراضات وسیع از چند ماه پیش در شهرهای مختلف پرو ابتدا به صورت پراکنده و خودجوش و سپس سازمان یافته آغاز و با پیوستن کارگران بویژه در پایتخت و حومه آن ژرفش یافت.

در اوایل ماه ژولای (اواخر تیرماه) این اعتراضات پراکنده با تلاش احزاب چپ و جنبش سندیکایی شکل سراسری به خود گرفت و سرانجام درگردهمایی بزرگ مردمی در شهر لیما پایتخت پرو، زحمتکشان نیروی متحد خود را به نمایش گذارده و خواستار توقف برنامه‌های اقتصادی-اجتماعی ضد مردمی بویژه پایان دادن به برنامه خصوصی سازی و برنامه حذف یارانه‌های کشاورزی شدند. اعتصاب کارگران و اعتراضات دهقانان گویای وضعیت وخیم معیشتی هزاران زحمتکش پرویی است. درگردهمایی بزرگ شهر لیما سخنران اصلی دبیر کل کنفدراسیون سندیکاهای پرو، ماریو هومن بود. او با اشاره به سقوط سطح زندگی کارگران و دیگر زحمتکشان، سیاست‌های اقتصادی دولت را که مبتنی بر خصوصی سازی و مقررات زدایی است، عامل اصلی فقر مردم پرو و بویژه کارگران و کشاورزان معرفی ساخت و برای مقابله با دولت و برنامه‌های آن خواستار تشکیل یک ائتلاف فراگیر مردمی گردید. وی با تأکید یادآور شد: "به فریاد کارگران جان به لب رسیده گوش فرا دهید، فقر زندگی مردم را به نابودی کشانده و اگر سیاست‌های فعلی دولت متوقف نشود، اعتصابات گسترده و سراسری در راه خواهد بود."

از جمله خواست‌هایی که در جریان گردهمایی بزرگ پایتخت توسط دبیرکل کنفدراسیون سندیکاهای کارگری پرو اعلام شد می‌توان به: الف- افزایش دستمزدها و حقوق بازنشستگی مطابق با نرخ تورم. ب- لغو قانون خصوصی سازی بویژه خصوصی سازی زمین‌های دولتی، ج- لغو قوانین ضد کارگری خصوصاً قوانین جدید در صنایع برق و بنادر کشور، این قوانین حقوق کارگران برق و بنادر را کاملاً پایمال می‌کند. د- لغو قوانینی که شرکت در تظاهرات مسالمت آمیز را جرم محسوب می‌کند. ه- مبارزه عملی و واقعی با فساد و رشوه خواری که سراسر کشور را به تباهی کشانده است. تاکنون در حمایت از خواست‌های فوق و تشکیل یک ائتلاف فراگیر مردمی، سندیکای کارگران حمل و نقل، اتحادیه آموزگاران و دبیران، کنفدراسیون ملی کشاورزان، احزاب چپ و مترقی، فدراسیون سراسری دانشجویان، سندیکای زنان کارگر رستوران‌ها و مراکز کنسروسازی و هتل‌ها، اعلام آمادگی کرده و سیاست‌های دولت را به چالش طلبیده‌اند.

به علاوه کنفدراسیون سندیکاهای کارگری پرو، پیشنهاد راه پیمایی سراسری در آستانه سال ۲۰۰۹ میلادی را در صورت خودداری دولت از توقف برنامه خصوصی سازی ارایه داده است!

کارگران و زحمتکشان پرو در سال‌های اخیر در اثر برنامه‌هایی مانند خصوصی سازی و حذف یارانه بخش کشاورزی با سقوط سطح زندگی و کاهش درآمد روبرو شده‌اند!

## چهره حقیقی سرمایه‌داری

تولید می‌شود نخواهند داشت. با ورشکستگی و از دور خارج شدن بنگاه‌هایی که سرمایه‌گذاری کمتری در فناوری نوین کرده‌اند و بنابراین بهره‌وری کمتری دارند، و در نتیجه کاهش مقدار تولید در کل، این بحران تا حدی تخفیف می‌یابد. این روند، در عرصه‌های تولید کالاهایی از هر نوع، همیشه در حال وقوع است.

اما هر از گاهی، مازاد عرضه ممکن است در تعداد زیادی از عرصه‌های تولید رخ دهد، که نتیجه آن بحرانی خواهد بود که خودش، خودش را تغذیه می‌کند. مردم بی‌کار و در نتیجه بی‌پول می‌شوند. این وضع منجر به محدود شدن بازار مصرف (و در نتیجه فروش و سود) می‌شود که به نوبه خود موجب تعطیلی بنگاه‌های بیشتری می‌شود، که موجب بی‌کاری بیشتر می‌شود، و الی آخر.

بحران زمانی تخفیف می‌یابد و رو به بهبود می‌رود که مؤسساتی که از آن جان سالم به در برده‌اند، یعنی به طور عمده آنها که سرمایه‌گذاری بیشتری در دوران پیشین کرده بودند، یا آینده‌نگری بیشتری داشته‌اند، شروع به سرمایه‌گذاری بیشتر می‌کنند. این امر می‌تواند به دلایل گوناگون باشد، از جمله توسعه اقتصادی در نقاط دیگر دنیا؛ یا ایجاد تقاضای مصنوعی توسط دولت‌ها از راه پرداخت یارانه یا مزایا؛ یا از راه تدارک یا راه‌اندازی جنگ؛ یا حتی استخدام مجدد توسط شرکت‌ها، و به احتمال قوی با دستمزدهای کمتر! هر یک از این رخدادها می‌تواند آغاز کننده ایجاد تقاضای اقتصادی تازه ای باشد که سرمایه‌گذاری بیشتر برای پاسخ‌گویی به آن را ایجاب می‌کند، که فرصت‌های شغلی بیشتری به وجود می‌آورد، که موجب رشد بیشتر تقاضا می‌شود، و الی آخر.

در طی این بحران و در پیامد آن، نرخ سود بنگاه‌هایی که توانسته‌اند سر پا بمانند موقتا افزایش می‌یابد، چرا که با رقابت کمتری رو به رو هستند. اما معضل کاهش نرخ سود باز خواهد گشت. در این اوضاع و احوال، سرمایه داران همواره در پی یافتن راه‌هایی برای جبران کاهش میزان سود هستند.

نخست آن که سرمایه‌داران از رقابت و داشتن رقیب متفردند، چرا که روی نرخ سود تأثیر دارد، و برای همین هم برای از میان برداشتن رقیب هر کاری از دست‌شان برآید، می‌کنند: نام‌های تجاری و کالاهایی با نام‌های مختلف به بازار می‌فرستند و از راه آگهی‌های تجاری سعی می‌کنند مردم را متقاعد کنند که جنس و کالای آنها دارای کیفیتی منحصر به فرد و متفاوت با محصولات مشابه در بازار است، یا شرکت‌های دیگر و نام‌های تجاری آنها را می‌خرند. روزی نمی‌گذرد که خبر ادغام یا معامله شدن شرکت‌ها را در خبرها ببینیم. همه اینها رقابت را کم می‌کند. از همان آغاز زایش سرمایه‌داری، تولید در عرصه‌های گوناگون، یکی پس از دیگری، در شمار کمتری از شرکت‌های بزرگ‌تر متمرکزتر شده است؛ نخست در کشورهای جداگانه و اینک در سطح جهان. مارکس این روند را، مدت‌ها پیش از آن که در مقیاسی این چنینی بروز کند، پیش‌بینی کرد. سرمایه‌داران هر جا و هر گاه که بتوانند، کارتل‌هایی تشکیل

کارل مارکس کشف خود درباره نحوه عملکرد روند "کاهش نرخ سود" را یکی از مهم‌ترین یافته‌هایش می‌دانست. این نظریه توضیح می‌دهد که چرا وقوع بحران‌های ادواری در نظام سرمایه‌داری ناگزیر است. اما آیا می‌تواند بحران کنونی را هم توضیح دهد که در آن بسیاری از شرکت‌های غول‌پیکر در حال کسب سودهای کلان بی‌سابقه‌ای هستند؟

نرخ سود در یک مدت معین این طور تعریف می‌شود: میزان سود ناشی از ارزش اضافی به دست آمده از نیروهای کار - یعنی ارزش کار انجام شده مازاد بر آنچه کارگر برای آن دستمزد می‌گیرد - تقسیم بر مبلغ سرمایه‌گذاری به صورت ساختمان، تجهیزات و ماشین‌آلات و مواد اولیه به کار رفته در فرایند تولید، به علاوه کل مبلغ پرداخت شده به صورت دستمزد.

بنگاه‌های سرمایه‌داری، در هر اندازه و شکل و وضعیتی که باشند، برای اینکه بتوانند بازارهای تازه کسب کنند یا بازارهای موجود را حفظ کنند، و در نتیجه سهم سودشان را بالاتر ببرند یا دست‌کم در حد ثابت نگه دارند، باید در زمینه فناوری سرمایه‌گذاری کنند تا از این راه یا بهره‌وری را افزایش دهند و بتوانند با استفاده از نیروی کار کوچک‌تر، تولید بیشتری داشته باشند، یا آنکه عرصه تولیدشان را به فرآورده‌های دیگر بکشانند و به آن تنوع ببخشند. اگر شرکتی این کار را نکند و دیگران بکنند، آن شرکت به ورشکستگی و تعطیلی کشانده خواهد شد.

اما همین هزینه اضافی که بنگاه‌های اقتصادی در واکنش به فشارهای دایمی بازار ناگزیر از صرف آن هستند، موجب کاهش سود می‌شود. اگر کارگران یک شرکت موفق شوند از طریق اتحادیه‌های صنفی و سندیکاهای شان دستمزد بیشتری برای خود از کارفرما بگیرند - یعنی در واقع سهم عادلانه‌تری از ارزشی را که تولید می‌کنند، دریافت کنند - آنگاه آن شرکت تحت فشار حتی بیشتری برای سرمایه‌گذاری در فناوری جدید قرار خواهد داشت، که به نوبه خود سبب آن می‌شود که نرخ سود باز هم کاهش بیشتری بیابد.

وقوع بحران‌ها به این دلیل است که در نتیجه سرمایه‌گذاری بنگاه‌های اقتصادی (خدماتی یا تولیدی) در زمینه فناوری جدید به منظور بالا بردن حاشیه سودشان، میزان تولید بیشتر از آن می‌شود که بتوان به طور سودآور فروخت.

سرمایه‌داران هر جا و هر گاه که بتوانند، کارتل‌هایی تشکیل می‌دهند و با تیبانی از هر راهی که مقدور باشد، کنترل بازارها و قیمت‌ها را در دست می‌گیرند. این آن وضعیتی است که غالباً از آن به عنوان بحران اضافه تولید یا مازاد ظرفیت یاد می‌کنند. در حقیقت چنین بحرانی، بحران کمبود تقاضاست، و ناشی از این واقعیت است که کارگران سهم عادلانه از ارزشی را که تولید می‌کنند دریافت نمی‌کنند، و بنابراین، به عنوان یک مجموعه، توانایی مالی خرید هر آنچه را که

### ادامه در صفحه ۷

#### کمک مالی رسیده

به یاد قربانیان فاجعه ملی، سیامک از سوئد ۵۰۰ کرون  
 به یاد شهدای جنبش از ونکوور ۱۰۰ دلار  
 به یاد شهدای فاجعه ملی از نروژ ۲۵۰ کرون

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس‌های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
 2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
 آدرس‌های اینترنتی و "ای-میل" http://www.tudehpartyiran.org  
 E-Mail: dabirxhaneh\_hti@yahoo.de

**Nameh Mardom No. 798**  
 Central Organ of the Tudeh Party of Iran

**Saturday 30th August 2008**

شماره فاکس و تلفن  
 پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰  
 ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRANe.V.  
 شماره حساب 790020580  
 کد بانک 10050000  
 بانک Berliner Sparkasse